

# چیزهایی که در مدرسه یاد نمی‌گیریم!

«نوید ورقائی»

چینی‌بندزنی، اجاره فیلم و خیلی از شغل‌های قدیمی دیگه رو شماها یادتون نمی‌یاد، ولی اگر از بزرگ‌ترها پرسید، بهتون می‌گن اینا چه جور کارهایی بودن. یه زمانی وقتی خانواده‌ای می‌رفت خواستگاری و پدر عروس می‌پرسید: آقا پسر تون چه کاره‌اس؟ خانواده داماد با افتخار می‌گفتن: «پسر مون مسگره». چرا مشاغل قدیمی از بین رفتن؟ در این بخش می‌خواهیم بدانیم که همه چیز به مدرسه ختم نمی‌شود. بهتر است فکری برای شغل آینده‌مان داشته باشیم.

## قدیم ندیما!

چند سال پیش اگه تاکسی تلفنی یا همون آژانس‌ها رو می‌دیدید، برای خودتون برو بیایی داشتن و خیلیا اونجا کار می‌کردن. ولی الان کمتر کسی زنگ می‌زنه به تاکسی تلفنی و درخواست ماشین می‌کنه. این روزا تاکسی‌های اینترنتی جاشون رو گرفتن. این روند ادامه داره و این موج بیرحمانه بسیاری از مشاغل رو با خودش می‌بره و مشاغل جدیدی رو تعریف می‌کنه. شاید وقتی شما هم بزرگ‌تر شدید، اگه یه نفر بگه من کارمند بانک هستم، براتون عجیب و غریب باشه! به سال‌های ۱۴۰۵ تا ۱۴۱۵ فکر کنید. احتمالاً دارید دنبال کار توی یه شرکت یا سازمان می‌گردید. البته شاید هم بعضی‌ها تون خوداشتغالی یا همون «فریلنسری» رو انتخاب کردید و دارید برای خودتون کار می‌کنید. شاید هم پا رو فراتر بذارید و بخواهید کسب و کار راه‌اندازی کنید و به جای اینکه دنبال استخدام شدن توی شرکت باشید، دنبال این باشید که برای خودتون چند تا نیروی کار هم استخدام کنید.

## کارآفرین‌ها چطوری هستند؟

افراد کارآفرین تو بچگی هم توی بازی‌های گروهی وقتی می‌خواستیم یارکشی کنیم، می‌گفتن که کی با من. یه سری دیگه از بچه‌ها هم می‌گفتن من با کی. احتمالاً اونایی که می‌گفتن کی با من، از همون موقع دنبال این بودن که یه سری آدم دور خودتون جمع کنن، برنامه‌هایی رو بهشون بگن و با هم تلاش کنن تا موفق بشن. طبیعیه که یکی دوست داره کارمند باشه، یکی دوست داره کارآفرین باشه، و یکی هم دوست داره برای خودش کار کنه. هیچ کدوم الزاماً خوب یا بد نیستن و انتخاب هر کدوم بستگی به فرد داره. هر کدوم از این مسیرها رو که بخواید برای آینده انتخاب کنید، باید از الان به فکر باشید.

## چه کاری را دوست داریم؟

اگه کاری که دلمون می‌خواد و عاشقش هستیم رو پیدا نکنیم، باید به ناچار دنبال چیزی بریم که دوست نداریم و این جوری راه برای ما سخت‌تر می‌شه. مثل اینکه یه صبح دوست بهت زنگ می‌زنه و می‌گه بیا بریم کوه و تو با کمال میل قبول می‌کنی و هر چیزی که لازم داری آماده می‌کنی، ولی وقتی می‌خوای بند کفش رو ببندی، می‌بینی کفش‌ها پاره شدن، ولی خیلی هم دوست داری که بری. در نتیجه مجبوری کفشایی رو بپوشی که برای مهمونی استفاده می‌کردی و خیلی برای کوه مناسب نیستن. وقتی از کوه بالا می‌ری، نه اینکه نتونی بری، می‌تونی، ولی هر لحظه ممکنه کفش از پات در بیاد، یه سنگ‌ریزه بره توش، بندش باز بشه، یا چسبش کنده بشه. یعنی مجبوری حواست به کفشات باشه که نکنه وسط راه تنهات بذارن، و این‌ها همه لذت کوه رفتن رو برات کمتر می‌کنه.



### نکته آخر

بنارید چند تا از چیزایی رو که باید دنبالش بگردید، بهتون بگم. البته این یه راز نیست! اصلاً برای موفقیت نباید دنبال راز بود. بهتره به جاش ببینید قلبتون چی بهتون می‌گه؛ چیزهایی مثل تفکر خلاقانه، چگونگی افزایش ارتباطات، و اینکه: چطوری مفهوم شکست رو به‌عنوان پله‌های موفقیت درک کنیم؟ چطوری پولمون رو سرمایه‌گذاری کنیم؟ چطوری کسب و کاری رو که دوس داریم، راه بندازیم؟ چه جوری هم‌تیمی پیدا کنیم؟ کجا کارآموزی کنیم؟ و چه جوری اگه اشتباه کردیم و شکست خوردیم، دوباره بلند شیم تا موفق بشیم؟

### از کی بپرسیم؟

دور و برخودمون معلم‌ها، مشاورها، پدر و مادر، و کتاب‌ها هستند که می‌شه ازشون بپرسیم: «چه کار کنیم که علاقه‌های خودمون رو بهتر بشناسیم و بفهمیم چی هستیم، چی می‌خوایم و به کجا می‌خوایم برسیم؟ اونجایی که می‌خوایم چند سال بعد بهش برسیم، چه ویژگی‌هایی داره؟ و اینکه ما چه چیزهایی رو از الان باید یاد بگیریم تا برای اون موقع آماده باشیم؟ چه چیزهایی هستند که تو مدرسه هیچ وقت یاد نمی‌گیریم، ولی برای رسیدن به رویاهامون به اونا نیاز داریم؟»



### پس مهم نیست!

قصه «آلیس در سرزمین عجایب» یادتون هست؟ یه جایی از داستان، آلیس از گربه می‌پرسه: «لطفاً به من بگو از کدام راه باید برم؟» گربه می‌گه: «بستگی به این داره که کجا می‌خواهی بری؟» آلیس می‌گه: «خیلی برام مهم نیست کجا برم.» گربه جواب می‌ده: «پس مهم نیست از کدام راه بری.» اگه ندونیم کجا می‌خوایم برسیم، چه فرقی می‌کنه که چه کاری انجام بدیم؟ درس بخونیم، ساعت‌ها پای بازی رایانه‌ای بشینیم، بخوابیم یا حتی تلویزیون ببینیم! هیچ فرقی نمی‌کنه چه جوری درس بخونیم یا حتی بریم مدرسه یا از مدرسه فرار کنیم. هیچ فرقی نداره، چون مقصد ما مشخص نیست.